**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**بررسی ونقد شیوه استنباطی محقق نائینی**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاه و یکم\_28 دی 1398**

کلام در توضیح فرمایش محقق نائنی بود در فوائد الاصول ج 3، ص 228 به بعد، به اضافه آنچه در همین جلد صفحه 137 تا 139 آمده است.

مرحوم نائینی انفتاحی هست که قائل است به حجیت خبر موثوق به، صدورا و ظهوراً نه حجیت خصوص خبر ثقه، و می فرماید ما در مجامع روایی، از نظر اطمینان به صدور، آن قدر روایت داریم که برای معظم فقه کافی است. وثوق به صدور داریم، و وثوق به ظهور به طوری که اگر در بقیه موارد به اصول عملیه مراجعه کردیم، مشکلی به وجود نمی آید. آن­چه که مورد تاکید ایشان است این است که ما می دانیم در روایات ما اعتماد بر قرائن منفصله زیاد است. ولی این وجود قرائن منفصله در روایات، ظهور روایات را مخدوش نمی کند، چون اعتماد به قرائن منفصله، باعث می شود که ما واجب باشد از این قرائن، فحص کنیم، اگر بدستمان رسید که هیچ نبود همان اصول عقلائیه جاری است. اگر شک کنیم قرینه ایی هست یا نه، فحص می کنیم بعد الفحص اصل جاری می کنیم. پس وجود قرائن منفصله در روایات کلام متکلم را از اعتبار نمی اندازد.

تا اینجا دو مطلب اساسی از مرحوم نائینی داریم. مطلب اول این که معیار در اعتماد به روایات، وثوق به صدور و ظهور است و مطلب دوم هم اینکه واجبی است در همین روایات موجوده فحص کنیم، مبادا قرینه منفصله ایی در کار باشد. اگر فحص کردیم و پیدا نشد مشکلی ندارد و اصول عقلائی جاری است.

استاد: به محضر ایشان عرض می کنیم اینکه گروهی از انفتاحیون ما مسلک خبر ثقه را ندارند، بلکه مسلک وثوق به صدور دارند، بحثی نیست. هم مرحوم نائینی. هم مرحوم آقا ضیاء عراقی و هم مرحوم آخوند اینها وثوق صدوری هستند و هر سه می فرمایند انسداد قابل قبول نیست، چون آنچه از روایات وثوق به صدور داریم برای معظم فقه کافی است. شیخنا الانصاری اعلی الله مقامه اگر چه در مواردی در رسائل مسلک خبر ثقه را تقویت کرده است. اما انچه نهایتا از رسائل استفاده می شود و امل ایشان هم در مکاسب همین را می رساند، این است که ایشان وثوق به صدوری است. ولی می گوید ما در بین روایات موجوده آن مقدار که وثوق به صدور داشته باشیم و برای معظم فقه کافی باشد نداریم.

عرض ما این است که ان وثوق به صدور را چگونه می خواهید درست کنید؟ آیا منظور شما این است که وثوق به صدور دو راه دارد، یکیش سند است یکیش هم قرائن دیگر است. مهم وثوق به صدور است. چه سند و چه قرائن دیگر. یعنی می گویید ممکن است سند به تنهایی وثوق به صدور بیاورد. آیا منظور این است یا منظور این است که نه سند جزئی از عملیات وثوق است. نمی شود در معظم فقه وثوق به صدور درست کرد و یکی از راه ها هم منحصرا سند باشد. نه سند قرینه ایی است در کنار قرائن و به تنهایی کافی نیست. کدام را می گویید؟

اگر احتمال اول را قبول می کنید یعنی می پذیرید که وثوق به صدور در مواردی از خود سند به تنهایی حاصل می شود. مبتلا می شویم به این اشکال که مستند حجیت قوب رجالی چیست؟ ثابت کردیم نهایتا قول رجالی یک قرینه است. نمی شود با خصوص سند به تنهایی وثوق به صدور پیدا شد و باید چیزهای دیگر هم کنارش باشد. پس راه اول ممکن نیست. شد راه دوم. حال که بنا شد راه دوم بیاد، تا هم وثوق به صدور درست شود، هم وثوق به ظهور، در ناحیه وثوق به صدور جمع بین قرائن راه گشا است. وثوق به صدور، اما نه برای وثوق به ظهور چون ما به قول شیخ اعظم روایاتی را که از دست داده ایم بیش از ان است که در دست ماست. اگر متکلم به قول شما نائینی بزرگوار اعتماد بر قرائن منفصله می کند. از کجا می گویید بین روایات و کتبی که الان دست ما نیست، قرینه ایی بر فهم روایات موجود نیست؟

محقق نائینی فرمود فحص می کنیم. بعد الفحص اصل جرای می کنیم. عرض می کنیم شما در روایات موجوده نهایتا فحص می کنید، اصل هم جاری می کنید اما در روایات که الان دست ما نیست چگونه می خواهید فحص کنید. از کجا در آن روایات قرینه منفصله ایی بر فهم روایات موجوده نبوده است؟ شما در همین روایات موجوده فحص می­کنید روایاتی را که بسیاری از آنها نقل به معنا شده است، چطور اطمینان به ظهور پیدا کنید با وجود نقل به معنا؟ شما فحص می کنید، در روایاتی که معمولابا واسطه نقل می شود، و در نقل با واسطه احتمال اشتباه زیاد است. در نوشته جات هم احتمال اشتباه است.

خلاصة الکلام فحص در روایات موجوده نمی تواند ظهور قابل اطمینانی حاصل کند تا چه رسد به روایاتی که اصلا الان دست ما نیست. پس حق با شیخ اعظم است که در یک جا گفت، آن چه از روایات از دست ما رفته است بسیار زیاد است و در جای دیگر هم گفت من وثوق به صدوری هستم و در جای دیگر گفت اخباری که موثوق به باشد کافی برای معظم فقه نیست. سر اینکه شیخ اعظم با اینکه وثوق به صدوری است ان را کافی نمی داند این است. بله درجه ظن وثوق به صدوری به اعتبار یک روایت از درجه کسی که خبر ثقه ایی است بالاتر است. یعنی وثوق به صدوری سرمایه بیشتری دارد اما او هم در این مشکل باز باقی است. پس وثوق به صدور مشکل انسداد را حل نکرد. اگر چه کمتر ممکن است بکند ولی حل نمی کند.

ان قلتَ: مرحوم محقق نائینی رضوان الله تعالی علیه که دنبال اثبات مسلک انسداد خودش بود یک نکته ایی را بیان کرد. ص 139 که ما احتمال قرینه منفصله می دهیم ولی با فحص آن را برطرف می کنیم.

ان قلت که نائینی گفت چون داب روات به این است هر آنچه از امام بشنوند نقل کنند، و چون وجود برخی از قرائن در فهم کلام امام مؤثر است پس باید هر آن­چه از خصوصیات و قرائن بود باید نقل کنند. اگر نیست پس معلوم است چیزی نیست.

قلتُ: این شما و این مجامع روایی ما این همه روایاتی که خود نائینی و دیگران می گویند این عام است، و فلان روایت خاص است و هیچ قرینه ایی در متن روایت عام نیست که اینجا ممکن است تخصیصی باشد و همین طور مطلق و مقید و همین طور مجمل و مبین. خدا وکیل چقدر از روایات در قرائن حالیه و مقالیه در روایات ما ذکر شده است؟ این که شما می فرماید باید ان ها ذکر می کردند. از دو حال خارج نیست. یا ان ها لزومی به نقل قرائن حالیه و مقالیه نمی دیدند. در حالی که لازم است یا نقل کرده اند ولی به ما نرسیده است و لو منفصلا نقل کرده اند. بین کسانی که دسترسی به معصوم دارند و علم به قرائن حالیه و مقالیه دارند با ما تفاوت است. شاید چون مطلب برای انها بارز و ظاهر بوده است قرائن را نگفته اند و یا هم گقته اند به ما نرسیده است. آنچه مهم است این است که الان در روایات ما قرائن حالیه و مقالیه نمی­آید آن وقت شما چطور می خواهید با فحص در این مقدار وثوق به صدور پیدا کنید.

فتحصل من جمیع ما ذکرنا که حتی اگر مسلک وثوق به صدور را هم قبول کنیم، که اصل مسلک مسلک درستی هم هست کما علیه الشیخ و الاخوند و نائینی و العراقی باز مشکله حل نشده است و شیخ به این نکته تفتن پیدا کرده است که وثوق به صدور مبنای درستی است اما در روایات موجوده بگوییم وثوق به اندازه ایی که یکفی لمعظم الفقه نه نداریم. فرمایش مرحوم نائینی یک تتمه ایی هم دارد و یک نقلی هم دارد به مرحوم میرزای قمی که به نظرم ضرورتی ندارد خودتان مطالعه کنید.

آخرین عبارتی که می خواهیم بررسی کنیم که پرونده بحث را ببندیم، مخصوصا هم گذاشتم برای آخر فرمایش منتقی الاصول است مراجعه کنید به منتقی الاصول ج 4، ص 330 و 331. بعد مراجعه کنید به صفحه 358 به بعد. ببینم مجموع این چند صفحه را چگونه تفسیر می کنید و دیدگاه منتقی الاصول را در بحث انسداد چگونه ارزیابی می کنید.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.